

کلیسای ایرانیان مسیحی سن دیه گو و ال کاهون

کتاب مقدس، دانیال نبی

درس شماره ۶۰

فصل ۹: ۱- ۱۹

آیه حفظی برای ۸ ماه می سال ۲۰۲۵

کتاب مقدس، رومیان ۸: ۲۶

۲۶ و همچنین روح نیز ضعف ما را مدد می‌کند، زیرا که آنچه دعا کنیم بطوری که می‌باید نمی‌دانیم، لکن خود روح برای ما شفاعت می‌کند به ناله‌هایی که نمی‌شود بیان کرد.

آیه حفظی برای ۱۵ ماه می سال ۲۰۲۵

کتاب مقدس، یعقوب ۵: ۱۶

۱۶ دعای مرد عادل در عمل، قوت بسیار دارد.

مقدمه: لطفاً کتابهای مقدستان را به بخش دانیال نبی فصل نهم باز بفرمائید. ادامه می‌دهیم مطالعه مان را از این فصل که در قسمت اول این آن ما دعای شفاعت دانیال را می‌بینیم برای قومش که از آن می‌توانیم درسهای بسیار مفید برای طرز دعای درست شفاعتی یاد بگیریم. باشد که خداوند شفاعت کنندگان برای کلیسای فارسی زبان و ایرانیان بر خیزاند.

دعا: و بگذارید وقتمان را با دعا شروع کنیم!

مقدمه: دیدیم که دانیال در سال اول سلطنت داریوش، ۵۲۲ پیش از میلاد، از کلام خدا کتاب ارمیا (ارمیا ۲۵: ۱۱-۱۲)، متوجه می‌شود که ایام تبعید قومش در حال به پایان رسیدن است. پس شروع می‌کند به دعا برای احیاء روحانی و فیزیکی قومش، اسرائیل، چون می‌خواست تحقق وعده های خدا در کتاب ارمیا را ببیند. درسهای که تا کنون از این دعای دانیال یاد گرفته ایم بدین قراراند:

اول- دعای واقعی از کلام خدا بر می‌خیزد، در واکنش به کلام مکتوب خداست. آیات ۱-۲:

۱ در سال اول داریوش بن آخشورش که از نسل مادیان و بر مملکت کلدانیان پادشاه شده بود،

۲ در سال اول سلطنت او، من دانیال، عدد سالهایی را که کلام خداوند درباره آنها به ارمیای نبی نازل شده بود از کتب فهمیدم که هفتاد سال در خرابی اورشلیم تمام خواهد شد.

دانیال در واکنش به کلام خدا شروع به دعا می کند. دعایش از کلام بر می خیزد و در نتیجه در هدایت روح القدس بود.

دوم- دعای واقعی نه تنها از کلام خدا بر می خیزد، بلکه همچنین در اراده خدا ریشه گرفته است. دانیال از کلام خدا اراده خدا را می دانست و بر طبق آن دعا کرد.

سوم- دعای دانیال پر از شور و اشتیاق واقعی بود، نه مصنوعی و ساختگی، آیه ۳:

۳ پس روی خود را بسوی خداوند متوجه ساختم تا با دعا و تضرعات و روزه و پلاس و خاکستر مسألت نمایم.

دانیال با اشتیاق دعا می کند. چون قلب کسی که به قلب خدا نزدیک شده است، کلام خدا و اراده خدا را می داند، نمی تواند بدون شور و شوق باشد.

مسیح را در باغ جتسیمانی در نظر بگیرید. وقتی مسیح قبل از مصلوب شدنش در باغ جتسیمانی دعا می کند، چگونه دعا می کرد؟ با شدت و حدت. بحدی که در لوقا ۲۲ ۴۴ می خوانیم که:

۴۴ پس چون در رنجی جانکاه بود، با جدیتی بیشتر دعا کرد، چنانکه عرق او مثل قطرات خون بود که بر زمین می ریخت.

دعای مسیح اعلام جنگ او بود بر گناه، بر دنیای سقوط کرده در گناه، بر شیطان و قدرتهای تاریکی. اگر چه می دانست در ظرف چند روز از مردگان قیام خواهد کرد، اگر چه می دانست که روزی می آید که که پدر آسمانی قدرت شیطان را در هم می شکند، و اگر چه می دانست که صلیب شروع شکسته شدن قدرت شیطان است، ولی نمی توانست خودش را از آن احساس شدید قلب پدر آسمانی جدا سازد، و می خواست انجام اینها را ببیند. و بدین علت بشدت دعا می کند. و پدر آسمانی هم پاسخ مثبت به دعای او می دهد.

این به ما مربوط نیست که چگونه حاکمیت مطلق خدا و دعاها را بر شور ما برای انجام اراده خدا با هم تطابق پیدا می کنند. بلکه وظیفه ما این است که با شور و شوق، در فروتنی و توبه از گناهانمان، بر طبق اراده خدا از کتاب مقدس دعا کنیم.

و این دقیقا چیزی است که امروزه در اغلب دعا‌های ما خیلی خیلی کم هست. دعا‌های ما اکثرا از خواهش‌های نفس گناه آلود خودمان بر می‌خیزند نه از کلام خدا. در اراده خود ما ریشه گرفته‌اند، نه اراده خدا. و اینگونه دعاها برخلاف اینکه با شور و فروتنی انجام گیرند، بجای اینکه در آن شخص خودش را انکار کند، یک نوع بازی و تظاهر به روحانی بودن هستند که می‌خواهیم دیگران را تحت تاثیر قرار دهیم و یا به دیگران طعنه بزنیم.

و هستند شارلاتان‌های که ایمانداران مسیحی را فریب می‌دهند که: "خدا می‌خواهد به شما سلامتی، ثروت و موفقیت و شهرت بدهد. و من می‌توانم برای شما دعا کنم که به این چیزها برسید اگر برای من پول بفرستید." ولی این دعا نیست که ما در اینجا می‌بینیم. دانیال از شدت حزن و اندوه برای قومش مریض می‌شود. ولی نه برای سلامتی خودش دعا کرد و نه سلامتی قومش. برای وضع مالی خودش دعا نکرد، برای موفقیت خودش دعا نکرد، بلکه برای نجات و احیا شدن روحانی قومش، هموطنانش دعا کرد. حالا کسی نمی‌گوید که دعا کردن برای سلامتی خودمان، وضع مالی خودمان، موفقیت مان گناه است. نه! ولی اینها نباید اول و آخر دعا‌های ما باشند. و این ما را می‌رساند به نکته چهارم.

چهارم- دعا واقعی دعا است که در آن شخص خودش را انکار می‌کند، آیه ۴:

۴ و نزد یهوه خدای خود دعا کردم و اعتراف نمودم. یک لحظه همین جا صبر کنیم. دانیال مرد خدا بود، مردی پاک و در ضمن بسیار بسیار فروتن. در اینجا شما هیچ نوع حس اعتماد به نفس و عزت نفس نمی‌بینید. در اینجا شما هیچ نوع غرور و تکبر و خود محوری نمی‌بینید. در دانیال هیچ نوع حس اینکه از خودش راضی باشد را نمی‌بینید. هیچ نوع تقاضا و توقعی از خداوند ندارد. به خداوند فرمان هم نمی‌دهد. نمی‌گوید که: من چنین و چنان هستم و باید به دعا‌های من عمل کنی. بلکه قلب خودش را تفتیش می‌کند و شروع می‌کند به اعتراف به گناهان خودش. بجای اینکه دیگران را محکوم کند قلب خودش را تفتیش می‌کند و در آن گناه می‌بیند. در دل خودش کم توجهی به ندای خدا را می‌بیند، سرکشی نسبت به فرامین واضح خدا را می‌بیند. و دانیال تبر را بر می‌دارد و می‌زند به ریشه درخت گناه در زندگی خودش، یعنی درخت غرور. تمام مردان و زنان خدا همین روحیه را داشته‌اند.

ابراهیم، در پیدایش ۱۸: ۲۷ در حضور خداوند می گوید: **"اینک من که خاک و خاکستر هستم، جرأت کردم که به خداوند سخن گویم."** ابراهیم می گوید: **"ای خداوند من می دانم که اصلاً حق ندارم بحضور تو بیایم. و اگر بخاطر فیض تو نبود، اصلاً جرأت نمی کردم بحضور تو بیایم."**

در دعای دانیال ما یک روحیه انکار نفس می بینیم. درست برخلاف روحیه آن ملای یهودی در مثل مسیح در لوقا ۱۸: ۹-۱۴، که این ملای یهودی به معبد می رود، و خدا را شکر می کند که مثل دیگران نیست. و خداوند اصلاً به صحبت‌های او گوش نمی دهد. ولی این روحیه دانیال نیست. دانیال می دانست که فقط کسی که: **"پاک دست و صاف دل باشد، که جان خود را به بطالت ندهد و قسم دروغ نخورد، فقط چنین کسی می تواند به کوه خداوند برآید و به مکان قدس او ساکن شود."** دانیال این اصل را می دانست که بعدها مسیح در انجیل متی ۵: ۸ فرمود: **"خوشبحال پاکدلان، زیرا ایشان خدا را خواهند دید."**

و به عنوان نماینده قومش، زمانی که می خواهد برای آنها شفاعت کند، پاک بودن خودش بیشتر از گذشته برایش اهمیت پیدا می کند. قلبش سنگین است که خودش یک گناهکار است. متوجه گناهکار بودن خودش می شود، و قبل از آنکه دعای شفاعت برای دیگران کند، اول می خواهد به گناهان خودش اعتراف و از آنها توبه نماید.

این یک خادم واقعی خداست. خادم واقعی خدا کسی نیست که خودش را از دیگران بالاتر و و بهتر بداند بلکه کسی است که هرروزه بیشتر متوجه گناهان خودش می شود. بجای آنکه دیگران را محکوم کنیم بیشتر گناهان خود را ببینیم. خدمت واقعی خدمتی است که بر خداوند استوار است. دیگر خدمت من و شما نیست، بلکه خداوند است.

دقت کنید به ۱۰: ۱۹ کتاب دانیال که در آنجا فرشته خداوند در یک زمان دیگر، پیش دانیال می آید، و دقت کنید چگونه دانیال را خطاب می کند. فرشته خداوند به دانیال می گوید: **«ای مرد بسیار محبوب (خدا) مترس! سلام بر تو باد (صلح و سلامتی خداوند بر تو باد) و دلیر و قوی باش!»** فرشته خداوند به دانیال می گوید که: تو نزد خدا بسیار محبوب هست. در کتاب مقدس، هر جا که مردم فرشته خداوند را می دیدند از ترس به زمین می افتادند و به او سلام می گفتند. در اینجا فرشته خدا به دانیال سلام می کند و احترام می گذارد. ببینید، دانیال چه مقام بالایی در حضور خدا داشت. ولی این دانیال، این مرد بسیار محبوب خدا، خودش را از دیگران بالاتر و بهتر نمی دید. بلکه خودش را بصورت کسی می دید که گناهکار است و محتاج به اعتراف به گناهانش و توبه از آنان است.

دعای ما چگونه است؟ آیا اصلاً دعا می‌کنیم؟ با چه روحیه دعا می‌کنیم؟ غرور یا فروتنی؟ دعاهايمان را چی تولید می‌کند؟ کلام خدا یا نفس خودمان؟ در دعا دنبال اراده کی هستیم؟ اراده خدا یا اراده خودمان؟ با چه روحیه دعا می‌کنیم؟ با شور و شوق، یا با سردی و بی‌اعتنائی. دعا کنیم! ولی مانند دانیال!